

## عنوان مقاله:

نظم چینی طراز

## محل انتشار:

اولین کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مطالعات زبان و ادبیات (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسنده:

میرفریدون ریاضی - دکترای زبان شناسی گرایش ادبیات جهان، ادبیات آذربایجان، ادبیات ایران

## خلاصه مقاله:

بخش دوم اسکندر نامه ی نظامی گنجوی که اقبالنامه است، رویکردی نو، از گونه دیگر به حیات می باشد که پیش از وی در ادبیات فارسی رواج نداشته است در این اثر وابستگی موضوعات به هم کمتر است. شاعر در زمان سرودن این اثر از شصت سالگی خود یاد می کند اما زیاد احساس پیری می کند و از مرگ نابهنگامی که سبب ناتمام ماندن اقبالنامه شود، هراس دارد. او اشاره می کند که جهان با وی سختی می کند و افغانش از ناتندرستی است. نظامی در همه ی آثارش اشاره به سروشی دارد که یاریگر اوست و سخن را به او تلقین می کند. این هاتف خضر نام همواره با آوازی نرم، مغز نظامی را از نکته ها و سخن های ناب آکنده می سازد. در این اثر معنی نامه های او به تبع ساقی نامه هایش در شرفنامه بسیارشایان توجه است. این که نظامی در گفتارش تحت تاثیر آراء فیلسوفان یونانی است، هیچ جای تردیدی نیست. مرگ از آن نوع مباحثی است که از آغار ذهن فلسفه و تفسیر اهل حیات عقلانی و روحانی را به خود مشغول داشته است. فلاسفه ی مشایی، متکلمین متشرع، عرفای صوفی و حکمای اشراقی همواره در باره ی این پدیده دست به توجیهاتی زده اند. در آثار نظامی مرگ، همه حا حضور دارد و نقش منذر را بازی می کند! از جهتی به انقطاع از دنیا تشویق می نماید و از سوی دیگر عامل ترسی است برای قدرتمندان که سبب تعدیل زورگویی اشان در صحنه ی تاریخ گردد

## کلمات کلیدی:

الحاقی بودن ابیات، مقبل، اقبالنامه، مرگ، ساقی نامه، سقراط، انجامش ها، چینی طراز

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/785753>

